

متن پرسش

سلام استاد عزیز: راجع به آیت الله حسینی تهرانی می‌خواستم نکته‌ای را خدمت شما عرض کنم. احساس می‌کنم حتی آقای محمدصادق تهرانی یعنی فرزند ایشان نیز به گونه‌ای که مطالب را در کتاب نور مجرد درباره ایشان گفته‌اند که اینطور برداشت می‌شود که گویا تنها و تنها در این زمان ایشان بودند که به درجات عالی توحیدی رسیدند و هر کدام از علما بالاخره در زندگی‌شان یک اشکالی پیدا می‌شود. و تنها کسی که به مقام توحید مطلق رسیده است ایشان می‌باشند یا حداقل به جامعیت ایشان کسی نیست. من کاری به عقاید آقای محمد محسن طهرانی ندارم که معلوم الحال است بلکه بحثم با آقای محمد صادق است. استاد در نور مجرد ایشان را خیلی بزرگ نمایی کرده‌اند بگذارید یک مطلب جالب خدمت شما بگویم همانطور که می‌دانید حتی آقای محمد صادق تهرانی که میانه‌ای خوبی با انقلاب دارد قائل به جدایی حیات سلوکی و حیات سیاسی شاگردان آقای تهرانی است. یعنی آنها حیات سلوکی خود را ذیل ایشان تعریف می‌کنند و حیات سیاسی خود را ذیل امام و رهبری. استاد عزیز بنده از یکی از شاگردان آیت الله سعادت پرور پرسیدم که آیا شما چنین عقیده‌ای دارید و آیا آیت الله سعادت پرور اینگونه فکر می‌کردند؟ البته اسمی از آقای علامه طهرانی نبردم. ایشان به شدت موضوع را رد کردند و فرمودند مرحوم استاد سعادت پرور به هیچ عنوان حیات سلوکی خود را جدایی از حیات سیاسی نمی‌دانستند و خود را ذیل امام در زمان حیاتشان و ذیل رهبری در بعد از حیات امام قرار داده بودند. والسلام علی من اتبع الهدی. امید که دل در گرو انقلاب و رهبری و امام داشته باشیم به جای بزرگان.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده در جریان این امر هستم. می‌ماند که ما چه وظیفه‌ای داریم؟ به نظر بنده در عین احترام به علامه طهرانی به عنوان دانشمندی ارزشمند، برای افرادی که حضرت امام و رهبری را تنها در امر سیاسی محترم می‌شمارند، مانند خود مقام معظم رهبری، برایشان احترام قائل هستیم. در حالی که سلوک ذیل شخصیت اشرافی حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» سلوکی است که ما را در هویت «حق الیقینی» مستقر می‌کند و در دل آن حاج قاسم‌ها ساخته می‌شود. زیرا اینان افق شخصیت خود را حضرت امام و رهبری قرار داده‌اند. موفق باشید